

# طرد مبنایی ترور در آموزشگاه قرآنی

کنشهای انسانی دارای معنا و مسبوق به فرایندی ذهنی و نظری هستند که آنها را شکل و ساختی خاص می‌بخشد. ترور به مثابه ابزاری برای دستیابی به اهدافی که فعلاً موجود نیستند، در تاریخ جوامع مختلف، بسیار اتفاق افتاده است، لذا همواره یکی از ابعاد شناخت و چاره‌اندیشی برای رفع آن، متوجه پشتوانه ذهنی و نظری حامی آن می‌باشد. با توجه به فضای متشنج بین‌المللی و کوششهای سازماندهی‌شده در تیره جلوه دادن آموزشهای اسلامی و تربیت قرآنی، لازم است موضوع ترور به‌عنوان مسأله‌ای جهانی از منظر قرآن و سیره بزرگان دین، تحلیل و ارزیابی شود. نویسنده نوشتار زیر این موضوع را بررسی نموده است.

ترور و تروریسم یکی از مباحث پررونق محافل سیاسی و حقوقی دنیا و مجامع بین‌المللی است. شنیدن این واژه ذهن را متوجه خشونت، قتل و جنایت می‌کند. غرب به ویژه آمریکا از طریق رسانه‌های تبلیغاتی و کمپانی‌های بزرگ یهودی در دنیا به گونه‌ای عمل نموده که مسلمانان را متهم به ترور کرده‌اند. این مسأله هر ناظری را به تأمل وامی‌دارد.

عملیات تروریستی پدیده‌ای تازه نیست، بلکه روشی است که طی قرون متمادی، ضعیفان برای ترساندن حکومتها و قدرتمندان حاکم یا دو قدرتمند در مقابل یکدیگر، یا قدرتمندی برای ترساندن ضعیفان به کار برده‌اند. و تاریخ، آکنده از اقدامهای تروریستی است. اما ترور در معنای مصطلح به صورت یک تعریف علمی مدت کوتاهی است که در محافل آکادمیک و علمی راه یافته است. این محافل تاکنون به تعریفی اجماعی که همگان آن را بپذیرند، نرسیده‌اند، اما اجماع بین‌المللی، اعم از دولتهای اسلامی و غیراسلامی، در مورد محکومیت عمل ترور وجود دارد. قرآن کریم هر گونه زور، ایجاد رعب، وحشت، آدمربایی، تهدید و کشتن بی‌هدف انسانها را محکوم می‌نماید و اسلام با این اقدامات مخالف است و حتی با آنها مبارزه می‌کند. در این نوشتار تلاش شده است آموزه‌های قرآن در نفی ترور و تروریسم بازکاوی شود.

## مفهوم ترور

ترور (واژه فرانسوی Terreur) به معنای قتل سیاسی با اسلحه، وحشت و ترس است و تروریست به کسی گویند که طرفدار اصول تشدد، شدت عمل و ایجاد رعب و ترس باشد و در زبان فارسی به شخصی اطلاق می‌شود که با اسلحه مرتکب قتل سیاسی شود، و تروریسم به اصل حکومت وحشت و فساد گفته می‌شود.<sup>۱</sup>

در مورد اصطلاح ترور تاکنون تعریفهای فراوانی ارائه شده است که در این میان می‌توان به تعریف سازمان ملل که در قطعنامه ۱۹۴۸ آمده است اشاره

کرد. مجمع عمومی سازمان ملل «تروریسم» را فعالیتهای مجرمانه و خشونت‌آمیزی می‌داند که گروه‌های سازمان‌یافته برای ایجاد رعب و وحشت انجام می‌دهند تا به این ترتیب نیل به اهداف سیاسی را میسر سازند.<sup>۲</sup> در این تعریف مستقیماً به حکومتهای تروریستی، یعنی حکومتهایی که به فعالیتهای تروریستی مبادرت می‌کنند، اشاره نشده، ولی روشن است که این تعریف حکومتها را نیز شامل می‌شود.

در اینکه ترور و آدمربایی، جرم و گناه و تخلف از قانون است و باعث می‌شود هرج و مرج، ناامنی، ترس و وحشت در جامعه انسانی به‌وجود آید، شکی نیست. سیره مسلمانان صدر اسلام و قرآن کریم در آموزه‌های مختلف خود هر گونه هرج و مرج، ترس و وحشت و کشتار بی‌هدف را محکوم می‌کند. در اینجا برای روشن‌سازی میحث به برخی از این آموزه‌ها اشاره شده است.

## سیره مسلمانان صدر اسلام

در دوره صدر اسلام، مسلمانان از آغاز بعثت به مدت سیزده سال در مکه از نظر قوت و قدرت، در موضع ضعف و ناتوانی قرار داشتند و توان این را نداشتند که از خود دفاع کنند و با تهدیدات دشمن مقابله نمایند، به گونه‌ای که در این مدت کفار و مشرکان آنان را شکنجه می‌کردند و زرد آزار و اذیت فراوان قرار می‌دادند و گاهی نیز حتی به آدمربایی از آنها اقدام می‌کردند. احیاناً دسته‌ای از مسلمانان در زیر شکنجه‌های وحشیانه مشرکان به شهادت می‌رسیدند و درواقع مسلمانان در این گونه عملیات تروریستی جان خود را از دست می‌دادند. قرآن کریم، در سوره انفال به این نکته اشاره نموده و ترس، وحشت و ناامنی ناشی از ترور و آدمربایی را که متوجه مسلمانان صدر اسلام بوده است، این گونه بیان می‌کند: «به خاطر بیاورید هنگامی را که شما، مسلمین، در روی زمین، گروهی کوچک و اندک بودید. آنچنان که می‌ترسیدید مردم شما را بربایند. ولی او شما را پناه داد و با یاری خود تقویت کرد.» (انفال/۶۲) در صدر اسلام افرادی بودند که در دل به حقانیت اسلام ایمان داشتند اما از ترس آدمربایی و هجوم عرب مشرک آن زمان حاضر نبودند به‌طور آشکار و علنی به این شریعت ایمان آورند. در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «آنها گفتند: اگر ما هدایت را همراه تو بپذیرا شویم، ما را از سرزمینمان می‌ربایند. آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی از هر شهر و دیاری» به سوی آن، آورده می‌شود.» (قصص/۵۷)

ناامنی ناشی از آدمربایی از جانب مشرکان، و نیز آرامش و امنیت کامل در حرم الهی، که وعده خداست و در آیه شریفه به آن اشاره شده است، بیانگر این نکته است که ترور و آدمربایی، رعب، وحشت و ناامنی را برای مردم به دنبال می‌آورد و اسلام امنیت و آرامش را می‌پذیرد. البته یادآوری این نکته ضروری می‌نماید

امام علی (ع) به لشکریان خود در جنگ صفین فرمود: «فراریان را نکشید، ناتوان‌ها را ضربت نزنید، مجروحان را به قتل نرسانید، با اذیت و آزار، زنان را به هیجان نیاورید اگرچه آنها به شما دشنام دهند و متعرض آبروی شما گردند.»

امام علی (ع) نقل می‌کند که رسول خدا (ص) مسلمانان را از ریختن سم در سرزمین مشرکان نهی کرد. این روایت نشان می‌دهد که هر گونه کاربرد مواد شیمیایی در جنگ ممنوع است.

رسول خدا حتی آتش زدن درختان و محصولات کشاورزی را نیز ممنوع اعلام می‌کرد

که نبود امنیت و آرامش و نیز وجود آدم‌ربایی برای مسلمانان اگرچه آثار اجتماعی زیانباری دارد ولی دلیل بر این نمی‌شود که انسان ایمان قلبی را نیز ترک کند. وجود ارزشمند امنیت و آرامش در شهر مکه و محیط مسلمانان و مشکلات، ناهنجاری‌ها و ناامنی‌های اجتماعی ناشی از آدم‌ربایی در خارج از شهر مکه، بیانگر این نکته است که مسلمانان از رعب و وحشت و آدم‌ربایی دور هستند و استقرار امنیت، در شهر مکه خود بهترین دلیل بر محکومیت ترور در اسلام است. خداوند می‌فرماید: «آیا ندیدند که ما حرم امنی برای آنها قرار دادیم، در حالی که مردم را در اطراف آن در بیرون این حرم می‌ربایند. آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا کفران می‌کنند.» (عنکبوت/۶۷)

از مجموع آیات سه‌گانه، نکات ذیل، در خصوص امنیت به دست می‌آید: ۱- مسلمانان، قربانی رعب و وحشت و آدم‌ربایی و فعالیت‌های تروریستی مشرکان بوده‌اند؛ ۲- مسلمانان درصد برنیامدند با مشرکان مقابله کنند، و به فعالیت‌های تروریستی مانند اذیت و آزار و ایجاد وحشت دست نزنند؛ ۳- امنیت فردی و اجتماعی، از ضروریات زندگی به حساب آمده و به عنوان نعمت ارزشمند الهی بر آن تأکید شده است؛ ۴- از جمله پیامدهای تلخ ترور و آدم‌ربایی، ایجاد ترس، وحشت و ناامنی است که تلخکامی را به دنبال می‌آورد؛ ۵- نبود امنیت اجتماعی، ایمان عامه مردم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و فعالیت‌های فکری، فرهنگی، ترویج احکام الهی و هدایت جامعه نیز مختل می‌گردد.

### ارزش حیات

یکی از ویژگی‌های اسلام و آموزه‌های قرآن کریم توجه و احترام بسیار به حیات و زندگی فرد است. انسانهاست. قرآن کریم، کشتن یک انسان بی‌گناه را، به منزله کشتن تمام انسانها می‌داند و نجات و هدایت یک انسان را به منزله هدایت و نجات تمام انسانها می‌داند. خداوند می‌فرماید: «هر گاه کسی، انسانی را بدون ارتکاب قتل و بدون فساد روی زمین به قتل برساند، چنان است که گویا همه انسانها را کشته است و کسی که انسانی را از مرگ نجات دهد، گویا همه انسانها را از مرگ نجات داده است.» (مائده/۳۲)

از این آیه فهمیده می‌شود که اسلام، حیات و زندگی فرد انسانها را آن قدر ارزشمند می‌داند که گویا حیات یک جامعه است و جامعه اسلامی مانند یک پیکر است. این پیکر در صورتی سالم است که تمام اعضای این پیکر سالم باشند و فقدان هر فرد ضربه‌ای بر پیکر جامعه بزرگ انسانی است. این در حالی است که این آیات در زمان و محیطی نازل شد که خون بشر مطلقاً ارزشی نداشت.<sup>۲</sup>

به جرأت می‌توان گفت قوانین مترقی که برای حفظ جان، مال، ناموس و حقوق و ارزشهای مادی و معنوی انسانها در متون اسلامی به‌ویژه قرآن

وجود دارد، در هیچ یک از مکاتبات حقوقی دنیا دیده نمی‌شود، آیات قرآن و روایات برای قاتل انسان شدیدترین مجازات در دنیا و بدترین جایگاه عذاب در نظر گرفته شده است.<sup>۲</sup>

### ممنوع بودن اقدامات

#### غیرانسانی حتی در زمان جنگ

اسلام اجازه توهین،<sup>۳</sup> ناسزا گفتن،<sup>۴</sup> (فحش) و نیز کشتن هیچ شخص بی‌گناهی را، چه مسلمان یا غیرمسلمان، در روابط عادی یا زمان جنگ نمی‌دهد. اقدامات غیرانسانی در جنگ، مانند کشتن زنان، کودکان و افراد بی‌گناه و نیز مسموم کردن آنها در اسلام، حرام شمرده می‌شود. نه تنها در حالت عادی بلکه در زمان جنگ نیز نمی‌توان زنان، کودکان و افراد بی‌گناه دشمن را کشت یا درختان و خانه‌های آنها را سوزاند.

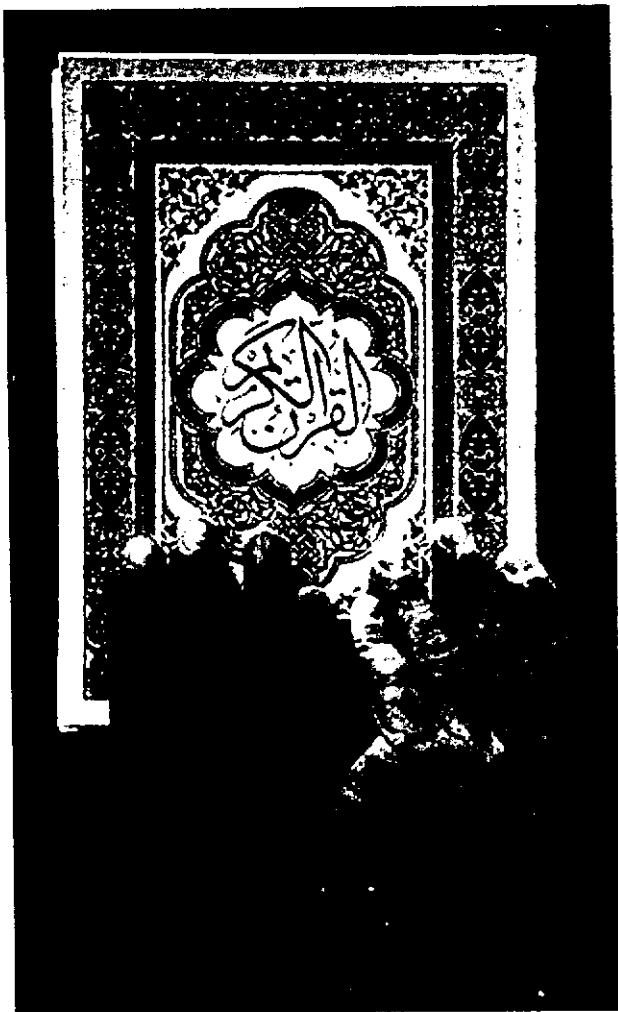
حتی در زمان جنگ نیز بر غیر مجاز بودن این موارد تأکید گردیده و بر ارتکاب نکردن به آنها سفارش فراوان شده است. از جمله در آیه‌ای می‌فرماید: «ولا تعدوا» (بقره/۱۹۰) از حد تجاوز نکنید، چرا که همه موارد یادشده، تجاوز از حد جنگ و دفاع مشروع است و به همین جهت پیشوایان اسلام برای رعایت اصول اخلاقی و خودداری از اقدامات غیرانسانی سفارشی‌های بسیاری کرده‌اند. به‌عنوان مثال مجاهدان به افرادی که سلاح بر زمین می‌گذارند و نیز کسانی که توانایی جنگ را از دست داده‌اند یا اصولاً توان شرکت در جنگ را ندارند، همچون مجروحان، پیرمردان، زنان و کودکان، نباید تعدی کنند، باغستان‌ها و گیاهان و زراعتها را نباید از بین ببرند و از مواد سمی برای زهرآلوده کردن آبهای آشامیدنی دشمن (جنگ شیمیایی و میکروبی) نباید استفاده کنند.<sup>۲</sup>

آیا می‌توان با قطعی بودن ممنوعیت اقدامهای غیرانسانی در اسلام اتهام‌هایی نظیر گروگان‌گیری و هواپیماربایی را که از مصادیق تروریسم است، به اسلام و مسلمانان نسبت داد؟

امام صادق (ع) نقل می‌کند که رسول خدا مسلمانان را از قتل زنان و کودکان در زمان جنگ و در سرزمین دشمن نهی نموده است مگر اینکه آنها نیز به جنگ دست ببرند: «حتی زنی که در جنگ مشارکت داشت تا آنجا که می‌توانی از کشتن وی چشم‌پوشی کن.» وقتی که در سرزمین دشمن (دارالحرب) کشتن آنها ممنوع باشد، به طریق اولی در سرزمین اسلامی نیز نباید کشته شوند.

همچنین رسول خدا (ص) کشتن افراد زمین‌گیر از اهل ذمه، نابینایان، پیرمردان، زنان و کودکان را در سرزمین دشمن ممنوع کردند.<sup>۳</sup> پیامبر اسلام (ص) فرمود: از کشتن پیران و کودکان مشرکان دست نگه دارید.<sup>۴</sup>

امام صادق (ع) فرمود: پیامبر اسلام (ص) هنگامی که می‌خواست سپاهی برای جنگ اعزام کند، آنان



افراد فرستادند که مسلمانان آنها را دستگیر کردند و پیامبر فرمود: همه آنها را آزاد کنید، و با این کار روحیه صلح‌طلبی خود را به آنان ثابت نمود. با این همه پیامبر نومید نگشت و از راه مذاکره و صلح بار دیگر عثمان را جهت مذاکره و رساندن پیام به سوی سران قریش فرستاد. قریش حتی از بازگشت عثمان نیز جلوگیری کردند. پیامبر(ص) به آخرین نماینده قریش، سهیل بن عمرو، فرمانده که قصد جنگ ندارد. این امر به مذاکرات و قرارداد صلح منجر شد و آن را صلح حدیبیه نامیدند.<sup>۱۵</sup>

همچنین پیامبر(ص) وقتی که «معاذ بن جبل» و «بوموسی اشعری» را به یمن اعزام می‌کرد، به آنان فرمود: «تساورا و تطاوعا و یسرا و یسرا و لاتنفرا! با هم مشورت کنید همیاری نمایید کارها را آسان نشان دهید، (به مردم در مورد اسلام) بشارت و مژده دهید و ایجاد نفرت نکنید»<sup>۱۶</sup>

این مساله در دوران بعدی تمدن اسلامی نیز ادامه یافت و سفیران در جهت ایجاد

صلح و ارتباط میان دولت‌ها تلاش می‌کردند؛ به عنوان نمونه، در سال ۶۲۹م این جوزی معروف به «سفیر خلیفه» برای برقراری سازش بین پادشاهان آل ایوب مأموریت یافت.<sup>۱۷</sup>

این آموزه‌های اسلامی فقط به زمان پیامبر و دوران صدر اسلام منحصر نیست بلکه در همه زمانها نزد مسلمانان محترم است و آنها همواره به این آموزه‌ها عمل می‌کنند و به همه ملت‌ها و دولت‌ها، حتی مخالفان خود تا آنجا که از حريم خود پا فراتر نهند و به مسلمانان تجاوز نکنند، احترام می‌گذارند و این آشکارترین نشانه اسلام و مسلمانان است که نه تنها به خشونت و ترور و گروگان‌گیری راضی نیستند، بلکه یا آن نیز مبارزه می‌نمایند.

### مبارزه با محارب و مفسد

محارب به کسی گویند که از راه اخلال به امنیت عمومی و راهزنی، افساد در زمین کند<sup>۱۸</sup> و با تهدید اسلحه به جان یا مال مردم تجاوز کند اعم از اینکه به صورت دزدان گردنه‌ها در بیرون شهرها چنین کاری کند یا در داخل شهر.<sup>۱۹</sup> و از نظر فقهی به هر کسی که

را فرامی‌خواند و تر برایشان می‌نشست و می‌فرمود: «با نام خدا و برای خدا و در راه خدا سفر را آغاز کنید، نیرنگ و حقه نزنید، مٹله نکنید، سالخورده‌گان، کودکان و زنان را نکشید، درختی را نبرید مگر مجبور شوید»<sup>۲۰</sup>

امام علی(ع) در سفارش به لشکریان خود در جنگ صفین پس از اینکه سفارش نمود آغازگر جنگ نباشید، فرمود: «فرزبان را نکشید، ناتوان‌ها را ضربت نزنید، مجروحان را به قتل نرسانید، با اذیت و آزار، زنان را به هیجان نیاورید اگرچه آنها به شما دشنام دهند و متعرض آبروی شما گردند»<sup>۲۱</sup>

امام صادق(ع) از امام علی(ع) نقل می‌کند که رسول خدا(ص) مسلمانان را از ریختن سم در سرزمین مشرکان نهی کرد.<sup>۲۲</sup> این روایت نشان می‌دهد که هر گونه کاربرد مواد شیمیایی در جنگ ممنوع است. رسول خدا حتی آتش زدن درختان و محصولات کشاورزی را نیز ممنوع اعلام می‌کرد.<sup>۲۳</sup>

در روایتی امام صادق(ع) از پیامبر(ص) نقل می‌کند که فرمود: «و لا تسبوا اهل الشرك: مشرکان را فحش و ناسزا نگویند»<sup>۲۴</sup>

این موارد که نمونه‌های اندکی از توصیه‌های فراوان پیامبر اسلام(ص) و رهبران دینی است، نشان می‌دهد که اسلام هیچ گونه آسیب رساندن را که خارج از قوانین انسانی است، حتی به سرسخت‌ترین دشمنان خود، مجاز نمی‌داند و کشتن آنان را نیز منع کرده است. بنابراین چگونه می‌توان اتهام تروریسم و نابودی عده‌ای انسان بی‌گناه را بر اسلام تحمیل نمود؟!

### ایجاد صلح و روابط حسنه

در روابط بین‌المللی و دیپلماتیک اسلامی تلاش بر ایجاد روابط حسنه و برقراری صلح میان کشورهاست، نه ایجاد خشونت، رعب و وحشت. از ویژگی‌های حکومت اسلامی پیامبر(ص) این بود که نمایندگان سیاسی خود را پیام‌آور صلح و سازش و رحمت معرفی می‌کرد. پیامبر(ص) به سفیران خود پیام می‌داد که خداوند مرا برای رحمت<sup>۲۵</sup> و صلح فرستاده است، پس پیام مرا به جهانیان برسانید. در حوادث سال ششم هجرت، پیامبر(ص) به قصد زیارت خانه خدا به سمت مکه حرکت کرد. مشرکان قریش از روی ترس، مانع رفتن پیامبر(ص) به مکه شدند و در میان راه ایجاد ممانعت کردند. حضرت برای اینکه به آنان اعلام کند که قصدش تنها زیارت است، جراثش بن امیه خزاعی را بر شتری سوار کرد و به سوی قریش در مکه فرستاد و به وی دستور داد که پیام او را در مورد صلح به اشراف قریش برساند. قریش بر خلاف رسوم ملل جهان درخصوص مصونیت سفیر، شتر پیامبر را کشتند، و خواستند سفیر را هم بکشند، اما عده‌ای مانع این کار شدند و آزادش ساختند. این کار ثابت کرد که آنها نمی‌خواهند از راه صلح وارد شوند و حتی پنجاه نفر از سربازان خود را برای غارت اموال و اسارت

برای ترساندن مردم اسلحه بکشد «محارب» گویند.<sup>۲۰</sup> در اسلام مجازات شدیدی برای این گونه افراد قرار داده شده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند (و با تهدید اسلحه به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) فقط این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا چهار انگشت از دست (راست) و پای (چپ) آنها به عکس یکدیگر بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست و در آخرت مجازات عظیمی دارند» (مانده/۳۳)

در نتیجه، کیفر محارب از نظر قرآن عبارت است از: ۱- اعدام؛ ۲- به دار آویختن؛ ۳- قطع کردن چهار انگشت دست و پا به عکس یکدیگر؛ ۴- تبعید. این شدت مجازات برای افراد یا تروریست‌هایی است که امنیت داخلی یک جامعه، اعم از جامعه اسلامی یا غیراسلامی،<sup>۲۱</sup> را تهدید می‌کنند. نکته در خور توجه این است که حقوق و امنیت انسان آن قدر در نزد خداوند اهمیت دارد که تعرض به حقوق انسان محاربه با خداوند معرفی شده است.<sup>۲۲</sup>

روشن است که این مجازاتها برای یک جرم نیست، بلکه چون جرم و جنایت متفاوت است و همه محاربان یکسان نیستند مجازات نیز به تناسب جرم و کیفر و براساس درجات افساد رتبه‌بندی می‌شود، مثلاً کسی که شمشیر بکشد و کسی را بکشد و مالی را ببرد یا کسی که فقط بکشد و مالی را نبرده باشد یا به عکس مالی را ببرد و کسی را نکشته باشد،<sup>۳۳</sup> فرق دارد.

در هر صورت اگر اقدامات تروریستی علیه مردم انجام شود و عده‌ای بی‌گناه کشته شوند، عاملان این اقدام از نظر حقوق اسلامی باید مجازات گردند و مجازات آنها شدیدترین نوع مجازات اسلامی است.

در روایتی (که مرتبط با آیه محاربه است) امام صادق (ع) فرمود: عده‌ای از قبیله بنی‌ضبه در حالی که همه بیمار بودند به حضور رسول خدا (ص) رسیدند. حضرت به ایشان دستور داد چند روزی نزد آن جناب

نظر گرفته شده است. از جمله امام باقر (ع) می‌فرماید: «کسی که در شهری بر مردم اسلحه بکشد و به کسی آسیب برساند و اموال مردم را ببرد، اگرچه کسی را نکشته باشد، او محارب است و مجازاتش نیز مجازات محاربین است و اگر کسی را بکشد، پیشوا و حاکم شرع می‌تواند دست او را قطع نماید»<sup>۳۴</sup>

بنابراین اسلام به شدت اقدامهای غیرانسانی را محکوم کرده و افزون بر آن، مجازاتهای سختی نیز برای مجرمان آن تعیین نموده است.

### بُغاه

بُغاه از بغی به معنای تجاوز از حد خود و ستم کردن می‌آید.<sup>۳۵</sup> و «در شریعت اسلامی به کسی گویند که از حکومت و اطاعت پیشوایی عادل (حکومت مشروع) خروج کند»<sup>۳۶</sup> در هر صورت اگر کسی علیه حکومتی



مشروع شورش کند و از زیر بار آن حکومت سرپیچی نماید و به اقدامات تروریستی سیاسی دست بزند، از نظر فقهای اسلامی محکوم است و از «بُغاه» شمرده می‌شود و جنگ با او نیز واجب خواهد شد.

ابن ادریس می‌نویسد: «هر کسی که بر امام عادل خروج کند و بیعتش را بشکند و از احکام و فرمانهای سرپیچی و مخالفت کند، او «باغی» است و پیشوا می‌تواند فرمان جنگ و جهاد در مقابل او صادر نماید»<sup>۳۷</sup>

در هر صورت کسی که علیه حکومتی وارد پیکار شود و از فرمانهای آن سرپیچی کند، مصداق بارز تروریست سیاسی است و باید با او مبارزه کرد. امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند به من فرمان داده است که با سرکشان و تجاوزکاران، با پیمان‌شکنان و کسانی که پای‌بند به عهد و پیمانهای خود نیستند، و با کسانی که فساد بر روی زمین راه می‌اندازند، جنگ و مبارزه کنم»<sup>۳۸</sup>

ایشان در سخن دیگر می‌فرماید: من به مبارزه با سرکشان و یاغیان شما را ترغیب می‌کنم<sup>۳۹</sup> و باید با اهل بغی، جنگ و مبارزه شود.<sup>۴۰</sup> آن حضرت یکی از اقسام جنگ و جهاد را جنگ با گروه تجاوزگر و یاغیان معرفی می‌کند و می‌فرماید که باید با این گروه جنگید تا اینکه فرمان خدا را بپذیرند.<sup>۴۱</sup>

یکی از آیاتی که برخی برای یاغیان استدلال کرده‌اند، گفتار خداوند است که می‌فرماید: «هر گاه دو گروه از مومنان به نزاع و جنگ پردازند، در میان آنها صلح برقرار سازید و اگر یکی از آنها بر دیگری تجاوز کند، با طایفه ظالم پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد»<sup>۴۲</sup> (احزاب/۹)

آیه شریفه اگرچه درباره نزاع و درگیری دو گروه مسلمان است، اما در قسمتی از آیه چنین آمده است: «اگر یکی بر دیگری تجاوز و بغی کرد، باید با او مبارزه نمود» این جمله از قرآن می‌تواند مورد استشهاد قرار گیرد که در هر صورت با گروه سرکش حتی اگر مسلمان هم باشند، باید مبارزه شود تا تسلیم حق گردند. برخی نیز مبارزه با سرکشان و تروریسم را واجب و در واقع آن را جهاد فی سبیل‌الله می‌دانند که مانند اقسام دیگر جهاد می‌باشد و به آیه شریفه «جاهدوا باموالکم و انفسکم» استدلال نموده‌اند که مسلمانان در این راه باید با جان و مالشان بر ضرر بغاه مبارزه کنند.<sup>۴۳</sup>

### جهاد و اهداف آن

جهاد به معنای سختی و به کار بردن تلاش با نهایت کوشش انسان است<sup>۴۴</sup> و از نظر شرعی یک قسم آن بخشش حان و مال در نبرد با مشرکان و تجاوزکاران و قسم دیگر آن جانفشانی و به کار بردن مال و تلاش برای سربلندی اسلام و شعائر ایمانی و اسلامی است.<sup>۴۵</sup> در هر صورت جهاد از ارکان ایمان هر مسلمان و از واجبات ارزشمند اسلامی است. برخی از دانشمندان جهاد را بر سه قسم دانسته‌اند: ۱- مبارزه با دشمن

۲- مبارزه با شیطان ۳- مبارزه با نفس.<sup>۴۶</sup> در نتیجه جهاد دارای مفهوم عامی است که تنها نبرد فیزیکی (جنگ) را دربر نمی‌گیرد. مخالفان اسلام تصور کرده‌اند جهاد به معنای جنگ دائمی مسلمانان با غیرمسلمان است تا غیرمسلمان به اجبار اسلام اختیار کند، و این بزرگ‌ترین دروغ و خیانت به مسلمانان است،<sup>۴۷</sup> چرا که عقل سالم و طبیعت و فطرت انسانی این را می‌داند که باورها و عقیده‌های درونی انسان ممکن نیست با اجبار و اکراه تغییر کند. به‌طور کلی اجبار کردن انسان برای پذیرش دین در شریعت اسلام و آیات قرآن متنی است. تعبیر قرآنی «لا اکراه فی الدین» (بقره/۵۴) دین اجباری را نفی می‌کند، چرا که دین عبارت است از یک سلسله معارف که عمل را به دنبال دارد، و جامع همه معارف یک کلمه است و آن عبارت است از «اعتقادات»، اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد، چون

بمانند تا بهبود یابند، سپس آنها را به جنگ اعزام می‌نماید. این عده گویند از مدینه خارج شدیم. رسول خدا (ص) ما را مأمور کرد تا در بیابان مدینه نزد شتران صدقه برویم و از شیر آنها بخوریم و ما چنین کردیم تا همه بهبودی یافتیم و کاملاً نیرومند شدیم. امام (ع) فرمودند: این عده همین که نیرومند شدند سه نفر از چوپان‌های رسول خدا (ص) را به قتل رساندند، رسول خدا (ص)، علی (ع) را برای دستگیری و سرکوبی آنان روانه کرد. حضرت علی (ع) آنان را در یک وادی در حال سرگردانی پیدا کرد، چون آن بیابان نزدیک یمین بود و آنان نمی‌توانستند از آن خارج شوند، علی (ع) آنها را اسیر کرد و به نزد رسول خدا (ص) آورد. در این زمان آیه محاربه که مجازات محارب را یکی از چهار مورد گذشته می‌داند، نازل شد.<sup>۴۸</sup>

در روایات دیگر نیز برای کسانی که افراد بی‌گناه را می‌کشند و امنیت مردم را به هم می‌زنند و در واقع اقدامات تروریستی انجام می‌دهند، مجازاتهای فوق در

کاربرد اجبار تنها در اعمال ظاهری است.<sup>۳۳</sup>  
در جای دیگر نیز قرآن می‌فرماید: «ای پیامبر! آیا تو می‌خواهی مردم را مجبورسازی که ایمان بیاورند؟ (ایمان اجباری چه سودی دارد؟)» (یونس/۹۹)

این تصور غرب که اسلام دین خشونت است، کاملاً خطاست. اسلام به تجاوز توصیه نمی‌کند و جهاد که در اسلام مطرح شده است، یک عمل مقدس است و هیچ تناسبی با تجاوز ندارد، جهاد برای تجاوز، کشتار و خونریزی وضع نشده است.<sup>۳۴</sup> مهم‌ترین محور و هدف این عمل مقدس، قصد خدایی بودن آن است و در بسیاری از آیات، حکم «جهاد» و «قتال» مقید به «فی سبیل الله» شده است.<sup>۳۵</sup> این مسأله نشان می‌دهد که عمل دفاع، جهاد، مبارزه، کشتن و کشته شدن فقط در راه خداست و این هدف مقدس نمی‌تواند با زورگویی، سلطه‌طلبی، منفعت‌گرایی، لذت‌پرستی، خودکامگی، تصرف اراضی و سرزمین و مانند آن سازگار باشد.<sup>۳۶</sup> در حالی که تروریسم هماهنگ با سلطه‌جویی، زورگویی، منفعت‌گرایی و قام‌جویی است. افزون بر آن، ماهیت جهاد حمله و تجاوز نیست، بلکه ماهیت آن دفاع است؛ دفاع از حقوق انسانها،<sup>۳۷</sup> دفاع از آزادی، دفاع برای حمایت مظلومان،<sup>۳۸</sup> دفاع برای خاموش کردن آتش فتنه،<sup>۳۹</sup> دفاع برای از بین بردن تجاوز ستمکار<sup>۴۰</sup> و... روح دفاع در تمام اقسام جهاد حکمفرماست، «به همین دلیل در تاریخ اسلام موردی را نمی‌یابیم که کافران آمادگی زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمین را داشته باشند و اسلام دست رد به سینه آنها زده باشد. امروز نیز حکومت اسلامی سرچنگ با کسی ندارد و تا جنگ بر او تحمیل نشود با کسی بی‌کار نمی‌کند، ولی دفاع از مظلومان را جزء وظایف اصلی خویش می‌شمرد و فتنه‌گری و ایجاد رعب و وحشت و تضییق و فشار و سلب آزادی از سوی دشمن را نوعی اعلام جنگ می‌داند و خود را موظف به دفاع می‌شمرد.»<sup>۴۱</sup>

بنا به دیدگاه بسیاری از دانشمندان اسلامی جهاد، پاسداری از اسلام و دین توحید — که حق فطری انسان<sup>۴۲</sup> و حرمت‌های انسانی<sup>۴۳</sup> است — می‌باشد و اگر ضرورت شدید برای حفظ حیات اسلام یا تنبیه کسانی که به نابودی اسلام کمر بسته‌اند، در میان نباشد، حملات نظامی یک دولت مسلمان نوعی «جنگ غیرمذهبی» و بنابراین غیرقانونی شناخته می‌شود.<sup>۴۴</sup> این در حالی است که رویدادهای تروریستی نه تنها قداستی ندارد، بلکه اهداف آن کاملاً غیرانسانی و در جهت از بین بردن حقوق انسانهاست. این اقدامات نه تنها از مظلومان حمایت نمی‌کند، بلکه آماج حمله‌های آنها مردمان بی‌دفاع، ستم‌دیدگان و مظلومان است. هدف آنها نه تنها خاموش کردن فتنه نیست، بلکه خود ایجاد فتنه و آشوبی دیگر است.

افزون بر آن، قوانین اسلامی که رعایت آنها در زمان جنگ واجب است، با هیچ پدیده تروریستی همسان نیست. ممنوع بودن کشتن کودکان، زنان،

بیرمردان و پیرزنان، آتش زدن درختان و ممنوعیت مسموم و شیمیایی کردن آب و مواد غذایی از جمله قوانینی است که در زمان جنگ هر چند با دشمن لازم‌الاجراست، اما در پدیده‌های تروریستی تمام این موارد در ذات آن پدیده نهفته است و با اسلام هیچ گونه سازشی ندارد.

در عملیات خشونت‌آمیز تروریستی اکثر قربانیان غیرنظامیان، کودکان، زنان و افراد سالخورده‌اند که این امر با یک هدف تجاوزکارانه انجام می‌شود.

دین مقدس اسلام ظلم و ستم، تبعیض، بی‌عدالتی، محاربه، تجاوز، ترور و ... را با شدت تمام محکوم نموده، سکوت و بی‌تفاوتی در برابر ظلم و ستم و تجاوز را نیز گناه نابخشودنی می‌داند و مقابله با آن را حتی در جایی که با توسل به زور، ممکن نباشد، با زبان یا لااقل به دل لازم می‌داند. به امید روزی که جهان بشری، به دور از ظلم، تجاوز، ترور و آدم‌کشی، در فضای عدالت، برادری و مساوات، از امنیت کامل در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف، برخوردار شوند. در مکتب تشیع، یکی از آرمانهای اساسی انتظار است، معنی انتظار ظهور کسی است که جهان را از بی‌عدالتی نجات می‌دهد و فضای برادری، مساوات و امنیت را بر جامعه حکمفرما می‌کند.

#### نتیجه

ترور و تروریسم که از طریق فعالیت‌های مجرمانه و خشونت‌آمیز اجرا می‌گردد و در پی آن ترس، رعب و وحشت به وجود می‌آید، از نظر اسلام و مسلمانان محکوم است. سیره مسلمانان صدر اسلام و قرآن کریم با این پدیده منافات داشت و آنها حتی با این مسأله مخالفت و مبارزه می‌کردند.

مسلمانان صدر اسلام در مدت سیزده سال در مکه قربانی ترور و آدم‌ربایی شدند و حتی با دشمنان خود به‌خاطر مصالحی مقابله هم ننمودند، اگرچه کفار و مشرکان، به آذیت و آزار و شکنجه‌های فراوان مسلمانان می‌پرداختند. قرآن کریم نیز در آیات مختلف انسان و حیات وی را ارزشمند می‌داند و هرگونه تعرض به جان و مال انسانها را محکوم می‌نماید. اقدامات غیرانسانی نه تنها در زمان صلح و آرامش حتی در زمان جنگ نیز از نظر قرآن کریم مردود شمرده شده است. قرآن از پیروان خود می‌خواهد در ارتباطات بین‌المللی و دیپلماتیک صلح و روابط حسنه با ملل دیگر داشته باشند. این مسأله نه تنها در زمان پیامبر(ص) بلکه پس از آن حضرت نیز ادامه داشته و در تاریخ ثابت شده است. اما اگر کسی اهل تجاوز و ستم به دیگران باشد اسلام به مسلمانان اجازه می‌دهد با چنین فردی مبارزه کنند، مسأله جنگ و جهاد در اسلام به‌خاطر تجاوز نیست، بلکه ماهیت آن دفاع در مقابل تجاوزات ناخواسته می‌باشد و این تصور غرب که اسلام دین خشونت است، کاملاً خطاست. در نتیجه متهم کردن اسلام و مسلمانان به تروریسم

امام صادق(ع) از پیامبر(ص)

نقل می‌کند که فرمود:

«و لا تسبوا اهل الشرک؛

مشرکان را فحش

و ناسزا نگوئید.»

بنا به دیدگاه بسیاری از

دانشمندان اسلامی جهاد،

پاسداری از اسلام و دین

توحید — که حق فطری انسان

و حرمت‌های انسانی است —

می‌باشد و اگر ضرورت شدید

برای حفظ حیات اسلام یا تنبیه

کسانی که به نابودی اسلام کمر

بسته‌اند، در میان نباشد، حملات

نظامی یک دولت مسلمان نوعی

«جنگ غیرمذهبی» و بنابراین

غیرقانونی شناخته می‌شود. این

در حالی است که رویدادهای

تروریستی نه تنها قداستی

ندارد، بلکه اهداف آن کاملاً

غیرانسانی و در جهت از بین

بردن حقوق انسانهاست

توصیه‌های فراوان پیامبر اسلام (ص) و رهبران دینی نشان می‌دهد که اسلام هیچ گونه آسیب رساندن را که خارج از قوانین انسانی است، حتی به سرسخت‌ترین دشمنان خود، مجاز نمی‌داند و کشتن آنان را نیز منع کرده است، بنابراین چگونه می‌توان اتهام تروریسم و نابودی عده‌ای انسان بی‌گناه را بر اسلام تحمیل نمود؟!

این تصور غرب که اسلام دین خشونت است، کاملاً خطاست. اسلام به تجاوز توصیه نمی‌کند و جهاد که در اسلام مطرح شده است یک عمل مقدس است و هیچ تناسبی با تجاوز ندارد، جهاد برای تجاوز، کشتار و خونریزی وضع نشده است

اتهامی خصمانه است، چراکه تمام مسلمانان دوست دارند روزی را ببینند که ظلم، تجاوز، ترور و آدم‌کشی از بین رفته است و در فضایی کاملاً عادلانه با مساوات و برابری زندگی کنند و این همان نویدی است که در متون اسلامی با عنوان مهدویت مطرح شده است.

#### پی‌نوشت‌ها

- ۱- عضو هیات علمی مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۲- لغت‌نامه دهخدا، واژه ترور.
- ۳- آندرو بوسا، بزهکاری بین‌المللی، ترجمه: نگار رخشانی، ص ۱۲۰، تهران، گنج دانش، ج ۱
- ۴- رک: مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۲۵۶
- ۵- محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، تفسیر عیاشی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۱۳
- ۶- همزه (۱۰۳) / ۱ / حجات (۴۸) / ۲ / انعام (۶) / ۱۰۸
- ۷- مائده (۵) / ۳۳ / انعام (۶) / ۱۵۱: فرقان (۲۵) / ۸۶
- ۸- مکارم شیرازی، همان، ج ۲، ص ۲۰
- ۹- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج (کتاب جهاد، جهاد المدوی)، بیروت، موسسه آل‌البیت، ۱۹۹۳، م/۱۴۱۳، ج ۱، ص ۶۴
- ۱۰- همان، ص ۶۵
- ۱۱- محمد بن یعقوب کلینی، فروغ الکافی، ج ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ۱۳۶۳، ص ۲۷
- ۱۲- نهج البلاغه، نامه‌ها / ۱۴
- ۱۳- حر عاملی، همان، ص ۶۲
- ۱۴- محمدحسین طباطبایی، سنن‌النبی، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۴، ص ۸۵
- ۱۵- ابن سعد، (طبقات)، الطبقات الکبری، ج ۱، بیروت، دارصادر، ص اول، ۱۹۷۱، ص ۲۹۱ به بعد
- ۱۶- رک: جعفر سبحانی، فروغ ابیدیت، قم، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات)، ج ۱۹، ۱۳۸۳، صص ۶۷۶-۶۷۳
- ۱۷- عبدالحی کتانی مغربی، الترتیب الاثاریه، ج ۱، بیروت، دارالکتب العربی، ص ۱۹۱
- ۱۸- ابن‌القرآء، رسل المکوک (سفیران)، ترجمه: پرویز اتابکی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۰۲
- ۱۹- محمدحسین طباطبایی، میزان، ج ۵، ص ۴۸۵
- ۲۰- مکارم شیرازی، همان، ج ۴، ص ۲۶۰
- ۲۱- محمدحسین نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج چهارم، ۱۳۶۸، ص ۵۶۴، امام خمینی (ره) می‌فرماید: «مخرب کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم و به منظور ایجاد فساد در زمین چه در خشکی و چه در دریا چه در شهر و چه در بیرون شهر چه شب و چه روز، برهنه یا آماده کند» رک: تحریر الوسیله، ج ۲، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج پنجم، ۱۴۱۶، ص ۴۴۲
- ۲۲- محمدحسین نجفی، همان.
- ۲۳- رک: مکارم شیرازی، همان.
- ۲۴- محمدحسین طباطبایی، میزان، همان.
- ۲۵- محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۷، ص ۲۴۵، حر عاملی، همان، ج ۲۸، ص ۳۱۱، باب ابواب حد المخارب، ج ۷ [ ۳۴۸۳۷ ] این روایات در منابع دیگر شیعه مانند تهذیب

- ۱- الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۳۲ و تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۴ (حدیث ۹۰) و منابع اهل سنت مانند مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۱۷۷ و سنن نسائی و ... با اندکی اختلاف در مورد مجازات افراد مجرم آمده است. (همان)
- ۲۵- حر عاملی، همان، ج ۲۸، ص ۳۰۷، باب ۱ ابواب حد المخارب، ج ۱ [ ۳۴۸۳۱ ]
- ۲۶- اسماعیل بن حمزه جوهری، تاج اللغة و صحاح العربیه، (صحاح اللغة)، ماده «بفی»، بیروت و تهران، امیری، ۱۳۶۸
- ۲۷- محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۲۲۲
- ۲۸- علی‌اصغر مروارید، سلسله‌النیابیع الفقهیه، ج ۹، (ابن‌الدیس، السرائر)، بیروت، دارالاسلامیه، موسسه فقه‌الشیعه، ط اول، ص ۱۸۳
- ۲۹- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ (اشباح)
- ۳۰- همان، خطبه ۹۷ / ۵
- ۳۱- حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، بیروت، موسسه آل‌البیت الاحیاء التراث، ۱۹۸۸ / ۱۴۰۹، ط دوم، ص ۶۵
- ۳۲- ابوالعباس عبدالله حمیری، قرب الاسناد، قم، موسسه آل‌البیت الاحیاء التراث، ۱۴۱۳، ص ۱۳۲، حدیث ۴۶۲
- ۳۳- بسیاری از مفسران از جمله علامه طباطبایی در میزان، سیدقطب در فی ظلال، شیخ محمد عبده در المنار، ناصر مکارم شیرازی در تفسیر نمونه این آیه را تنها به درگیری دو گروه مسلمان مربوط می‌دانند نه به بغاوت اما فقها از جمله صاحب جواهر به این آیه برای یاغیان استدلال کرده‌اند
- ۳۴- علی‌اصغر مروارید، سلسله‌النیابیع الفقهیه، ج ۸، (قطب‌راوندی، فقه القرآن)، ص ۱۳۷
- ۳۵- فیومی، مصباح المنیر، ماده جهد و نیز رک: راغب، مفردات، ماده جهد، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹، ش. ط اول
- ۳۶- محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۲
- ۳۷- عبده شیخ محمد، المنار، ج ۱۰، بیروت، دارالفکر، ص ۲۰۶
- ۳۸- همان، ص ۳۰۷
- ۳۹- محمدحسین طباطبایی، میزان، همان، ج ۲، ص ۳۴۷
- ۴۰- وهبه زحیلی، تفسیر المنیر، ج ۷، بیروت، دارالفکر، ص ۱۸۷
- ۴۱- یازده مورد از آیات جهاد و بیست مورد از آیات مربوط به قتال.
- ۴۲- رک: محمدتقی جعفری، «بازشناسی جنبه‌های دفاع»، ج ۱، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، تهران، ج اول، ۱۳۶۷، ص ۷۱
- ۴۳- حج/۳۹
- ۴۴- نساء/۷۵
- ۴۵- بقره/۱۹۳
- ۴۶- بقره/۱۹۰ و حج/۳۹
- ۴۷- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۱۰، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، ج ششم، ۱۳۷۵، ص ۲۵۸
- ۴۸- محمدحسین طباطبایی، میزان، همان، ج ۲، ص ۱۵۱
- ۴۹- وهبه زحیلی، همان. (رک: فصل اول، دیدگاه‌ها)
- ۵۰- دیوید آرون شوارتز، تروریسم بین‌الملل و حقوق اسلامی، از کتاب تروریسم، جمع‌آوری علیرضا طیب، تهران، نشر نی، ج اول، ۱۳۸۲، ص ۳۸۲

۱۴۰۴